

مقاله پژوهشی: قدرت منطقه‌ای ایران و تأثیر آن بر همسو شدن سیاست خارجی روسیه

غلامعلی رشید^۱، قدیر نظامی‌پور^۲، عباس علیپور^۳، مجید خادمی^۴

پذیرش مقاله: ۹۹/۰۲/۰۵

دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۱۴

چکیده

جمهوری اسلامی ایران با حفظ اصول و مبانی انقلاب اسلامی و استقلال کشور خواهان همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای همسایه در همه‌ی زمینه‌ها می‌باشد که با توجه به تحولات غرب آسیا و حضور آمریکا در منطقه، روسیه از جایگاه خاصی برخوردار بوده و همواره توسعه رابطه با این کشور در اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است.

هدف از انجام این پژوهش تبیین تأثیر قدرت منطقه‌ای ایران بر همسویی سیاست خارجی روسیه می‌باشد. این تحقیق از نوع کاربردی است که به روش توصیفی، تحلیلی و پیمایشی انجام شده است. در بخش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش تحقیق به جمع‌آوری مطالب و اسناد پرداخته شد. در بخش پیمایشی تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از طریق روش کیفی داده بنیاد و از فن مصاحبه عمیق صورت پذیرفته است. به لحاظ زمانی و موضوعی روابط بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران و روسیه و آخرین دکترین‌های امنیت ملی، سیاست خارجی و دکترین نظامی آن کشور مورد بررسی قرار گرفته است و از نظر مکانی نیز دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه را شامل می‌شود. یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ با توجه به منفعت‌گرا و عمل‌گرا بودن سیاست روس‌ها و تبعیت از مکتب رئالیسم و نئورئالیسم، روس‌ها در شرایطی به جمهوری اسلامی ایران نزدیک خواهند شد که ضمن استقلال و عدم وابستگی به غرب بتواند به‌عنوان مکمل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی روسیه به عنوان قدرت منطقه‌ای ایفای نقش نماید؛ چرا که آن‌ها معتقد هستند منافع ملت روسیه در وجود یک ایران قوی و مؤثر در عرصه بین‌المللی نهفته است که می‌تواند برای روسیه نقش متحدی را بازی کند که با کمک او می‌توان از غلبت‌دین جهان به هرج و مرج جلوگیری کرده و نظم جدید عادلانه جهانی را برقرار سازد؛ اما در عین حال آن‌ها ایران قدرتمند تمدنی را بر ایران قدرتمند ایدئولوژیک ترجیح می‌دهند.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه، قدرت منطقه‌ای، همسو شدن

۱ دانشیار، دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی

۲ دانشیار، دکترای مدیریت استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی

۳ دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

۴ دانشجوی دکترا علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) Defaei strategic@sndu.ac.ir

مقدمه

امروزه نوع روابط در سلسله مراتب قدرت‌های جهانی دیگر خطی نبوده و تقسیم‌بندی‌های چند دهه گذشته مبنی بر دو قطبی بودن کشورها رنگ باخته است. امروزه کشورها را به لحاظ شاخص‌های قدرت و اینکه در چه جایگاهی از نظام ژئوپلیتیک جهانی قرار دارند به سه دسته تقسیم می‌کنند:

قدرت‌های با کد ژئوپلیتیکی جهانی^۱: مختص کشورهایی است که عرصه و توان تأثیرگذاری‌شان بیش از یک منطقه ژئوپلیتیکی است. آمریکا، روسیه، فرانسه و چین در زمره این کشورها قرار دارند.

• قدرت‌های با کد ژئوپلیتیکی منطقه‌ای^۲: مختص کشورهایی است که حوزه نفوذ و قدرتشان فراتر از مرزهای جغرافیایی‌شان رفته و در منطقه ژئوپلیتیکی مجاورشان گسترش یافته است. ایران، ترکیه، برزیل و ... نمونه‌هایی از این نوع کشورها هستند.

• کشورهای با کد ژئوپلیتیکی محلی (ملی)^۳: این کد مختص کشورهایی است که توان تأثیرگذاری‌شان در حدود مرزهای جغرافیایی‌شان محدود است. بسیاری از کشورهای جهان در زمره این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند. عراق، کویت، جمهوری آذربایجان و ... در زمره این کشورها می‌باشند. (Cottam, Martha L. 1986:50)

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور مستقل، تلاش می‌نماید با حفظ اصول و مبانی انقلاب اسلامی و استقلال کشور در همه‌ی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی با کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای همسایه که خواهان همزیستی مسالمت‌آمیز با آن‌ها می‌باشد، ارتباط خود را توسعه و حفظ نماید؛ که با توجه به تحولات غرب آسیا و حضور آمریکا در منطقه، روسیه از جایگاه خاصی برخوردار بوده است که همواره توسعه رابطه با این کشور در اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است.

این اولویت تا بدان جاست که رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با آقای ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در تاریخ ۸۶/۷/۲۴ ضمن ابراز نارضایتی از مناسبات اقتصادی فعلی دو کشور، گسترش این مناسبات را تأمین‌کننده منافع دو کشور دانستند و خاطرنشان کردند: «همان‌گونه که

1 Word code

2 Regional code

3 National(local) code

وجود ایران مستقل به نفع روسیه است، وجود روسیه مقتدر هم به نفع ایران است»؛ و رئیس‌جمهور روسیه نیز در همان ملاقات تصریح کرد: «منافع ملت روسیه در وجود یک ایران قوی و مؤثر در عرصه بین‌المللی نهفته است و مسکو در خصوص همکاری‌های خود با تهران هیچ محدودیتی قائل نیست و در حال و آینده بدون هیچ تردیدی در این مسیر حرکت خواهد کرد.» (دیدار آقای پوتین با مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۷/۲۴)

اتحاد جماهیر شوروی قبل از فروپاشی و در زمان ستم‌شاهی همواره تهدید اصلی ایران در منطقه بوده است و لذا آمریکایی‌ها برای مهار کمونیسم و ایجاد سپر توسعه برای شوروی، پیمان سنتو را با مشارکت ایران و پاکستان منعقد نمودند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز چنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، شوروی سابق و پس از فروپاشی، روسیه از صدام حمایت نمود. هم‌زمان با آغاز جنگ اول و دوم خلیج فارس و حضور آمریکا در منطقه، مواضع روس‌ها به ایران نزدیک‌تر شده و حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا به عنوان تهدید مشترک دو کشور ایران و روسیه باعث همسویی سیاست خارجی دو کشور گردید. لذا آنچه به عنوان مسئله اصلی تحقیق ذهن محقق را به خود معطوف نموده است اینکه همگرایی و همسویی سیاست خارجی روسیه با قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران چه منافعی برای روسیه دارد؟

لذا سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان «قدرت برتر منطقه‌ای» در غرب آسیا، چه تأثیری بر همسو شدن مواضع و رفتار روسیه خواهد داشت؟

مبانی نظری

پیشینه تحقیق

در خصوص روابط ایران و روسیه پژوهش‌ها و مقالات زیادی منتشر شده است آقای جهانگیر کرمی (۱۳۸۱) معتقد است که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر یک نوع تغییر نگرش و تحول در دیدگاه‌های روسیه نسبت به مفهوم امنیت بین‌المللی حاصل گردیده که در روابط با ایران نیز تأثیرگذار است، علی‌احمد جلالی در مقاله خود (۱۳۸۲) به تأثیر گسترش ناتو به شرق و نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی بر روابط ایران و روسیه پرداخته است، آقای سید احمد حسینی (۱۳۸۵) در مقاله خود تلاش دارد تا زمینه همکاری ایران و روسیه در غرب آسیا را مشابه الگوی همکاری

در آسیای مرکزی با توجه به برجسته شدن مجدد غرب آسیا در سیاست خارجی روسیه امکان سنجی نماید، آقای محمود شوری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به دلایل گسترش روابط ایران و روسیه در دوره اخیر می‌پردازد و معتقد است روسیه و ایران به لحاظ تحولات هویتی در شرایطی به سر می‌برند که نیاز مبرمی به بازسازی هویتی خود احساس می‌کنند. عبدالله قنبرلو (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بررسی مفاهیم و ماهیت قدرت منطقه‌ای پرداخته است. او رسیدن به قدرت منطقه‌ای را مستلزم رعایت قوانین ظریفی می‌داند که ریشه در اهمیت قدرت نرم دارد. او معتقد است پذیرش یک قدرت منطقه‌ای علاوه بر بازیگران منطقه‌ای باید توسط بازیگران بین‌المللی به رسمیت شمرده شود. چلینکاروف معاون وقت رئیس دومای دولتی به روابط ایران و روسیه و تمایلات روسیه پرداخته است و با اشاره به سوابق همکاری دو کشور در قفقاز، تاجیکستان و افغانستان و تحلیل تراز تجاری دو کشور و قابلیت افزایش آن و اشاره به زمینه‌های افزایش این روابط نقش مجلس‌های دو کشور را در پیمایش مسیر توسعه روابط را بررسی نموده است.

مطابق با آنچه در پیشینه تحقیق گفته شد این منابع عموماً تاریخ را نقل و توصیف کرده‌اند؛ اما در این مقاله محقق درصدد شناخت و تبیین تأثیر قدرت منطقه‌ای ایران بر همسوئی رفتار و سیاست خارجی روسیه با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

مفهوم شناسی

همسو شدن: دانشنامه «وبستر» مفهوم همسویی را به‌طور کلی، به معنای نوعی تطابق، هم‌راستایی و هم‌سنخی در رفتارها، قوانین، نگرش‌ها جهت‌گیری‌ها می‌داند که می‌تواند در مورد پدیده‌های مختلفی بکار رود. یکی از این موارد مصداقی، همسویی در سیاست خارجی است که مدعای ما در این پژوهش می‌باشد. (Webster's College Dictionary)

غالباً در عرصه نظام بین‌الملل کنونی، سیاست همسو شدن میان کشورها بر اساس دغدغه‌ها و نگرانی‌های مشترک خارجی آن‌ها صورت می‌گیرد، هرچند ممکن است این بازیگران دارای تعارضات و اختلافات شدید سیاسی، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی در روابط دوجانبه باشند. (برای مثال، همسویی استراتژیک شوروی و آمریکا در طول جنگ جهانی دوم). علی‌رغم این مدل شایع همسویی، نوع دیگری از این رفتار نیز وجود دارد که بیشتر مبتنی بر محرک‌ها و انگیزه‌های خودجوش داخلی است. این نوع همسویی در بین کشورهای رواج پیدا می‌کند که بیشتر دارای

زمینه‌های قابل توجهی از الگوها و رفتارهای متجانس سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... داخلی هستند نه اینکه صرفاً بر مبنای تهدیدات و نگرانی‌های مشترک خارجی دست به همسویی بزنند. (برای مثال، همسویی سیاست‌های اتحادیه اروپا).

قدرت منطقه‌ای: قدرت منطقه‌ای، مفهومی است که پس از پایان نظام دو قطبی مطرح شد. در نظام سلسله‌مراتب جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای بازیگرانی هستند که جایگاه و کارکردشان حائز اهمیت فراوان است. موضوع سلسله‌مراتب قدرت‌های منطقه‌ای را باری بوزان و ویور در قالب نظریه‌ی مجموعه امنیتی مطرح کردند، بین قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها که در سطح جهانی عمل می‌کنند و در این عرصه اثرگذاری دارند و قدرت‌های منطقه‌ای ممکن است دارای منابع مادی و سخت‌افزاری قدرت چندان مناسب نباشد، اما به لحاظ اصالت تاریخی، سنت‌های ریشه‌دار و موقعیت و موقعیت جغرافیایی، این قدرت‌ها وضعیت مساعدی داشته باشند. (نصری ۱۳۷۹، ۶۰۵)

ویژگی‌های قدرت‌های منطقه‌ای: قدرت‌های منطقه‌ای، در واقع، قدرتمندترین دولت‌ها در سطح مناطق یا سیستم‌های منطقه‌ای هستند. برای فهم نقش قدرت‌های فرا منطقه‌ای باید اولاً، قدرت‌های فرا منطقه‌ای دخیل در منطقه و درعین حال، وزن آن‌ها را دریابیم؛ ثانیاً، به منافع و سیاست‌های آن‌ها در منطقه توجه کنیم و ثالثاً، سطح تأثیرپذیری منطقه از نفوذ و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای را موردتوجه قرار دهیم. (قنبرلو ۱۳۸۸: ۵۴)

ایوبنداسترود، از محققان این حوزه مطالعاتی، برای قدرت منطقه‌ای یا به تعبیر وی منطقه‌ای دولتی قدرت بزرگ منطقه‌ای است که چهار مشخصه داشته باشد:

- به لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه معینی قرار گیرد.
- قادر به مقابله با هرگونه ائتلاف سایر دولت‌ها در منطقه باشد.
- نفوذ بالایی در امور منطقه‌ای داشته باشد.
- به واسطه منزلت و اعتبار منطقه‌ای‌اش، پتانسیل تبدیل شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را داشته باشد. (Daniel Flesmes. p10)

به نظر ماکس شومان، برای اینکه قدرت منطقه‌ای بتواند در نقش رهبر منطقه‌ای عمل کند، باید حائز چهار پیش‌شرط مهم باشد:

پویایی‌های داخلی: پویایی‌های داخلی در اقتصاد و سیستم سیاسی دولت باعث می‌شود قدرت منطقه‌ای بتواند نقش پیشرو و ثبات دهنده را در منطقه بازی کند.

تمایل: قدرت منطقه‌ای باید نشان دهد علاقه‌مند به ایفای نقش رهبر و ثبات دهنده منطقه است. اگر تمایل به داشتن نقش حافظ صلح ندارد، حداقل لازم است رغبت خود به صلح سازی را نشان دهد. **ظرفیت‌ها:** قدرت منطقه‌ای باید ظرفیت و توانایی پذیرش رهبری منطقه را داشته باشد.

پذیرش: قدرت منطقه‌ای لازم است از سوی همسایگان منطقه‌ای خود به صورت رهبر مسئول در قبال امنیت منطقه پذیرفته شود. البته، شاید پذیرش فرامنطقه‌ای نیز ضرورت داشته باشد، به این معنی که در بین دولت‌های خارج از منطقه مقبولیت داشته باشد. پذیرش و حمایت فرا منطقه‌ای، به‌ویژه از سوی قدرت‌های جهانی، بسیار با اهمیت است. (Maxi Schoeman, 1994-2003, p253)

شاخص‌های قدرت منطقه‌ای: در مورد شاخص‌ها که بر اساس آن قدرت منطقه‌ای تعریف می‌شود اندیشمندان متعددی سخن گفته‌اند که از آن جمله می‌توان به چیس، هیل، کندی، شومن، شرم، بالدوین و فلمس اشاره داشت. هر کدام از این اندیشمندان متغیرهایی را تعریف قدرت منطقه‌ای برشمرده‌اند که از امتزاج آن‌ها می‌توان موارد زیر را استنتاج نمود:

-سرحدات: قدرت منطقه‌ای بخشی از یک منطقه است که باید مرزهای خود را به لحاظ جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و اندیشه‌ای، تعیین کرده باشد.

-ادعای رهبری منطقه‌ای: قدرت منطقه‌ای بایستی مدعی قرار داشتن در موقعیت رهبری منطقه باشد. از اصلی‌ترین وجوه استقرار در چنین موقعیتی، توانایی «قاعده سازی» می‌باشد. همچنین در قالب این متغیر، باید «خودپنداری» قدرت منطقه‌ای و پذیرش این تصور و پندار از سوی دیگر بازیگران مورد بررسی قرار گیرد.

-ایجاد نفوذ و ساختار سازی منطقه‌ای: نفوذ یکی از مؤلفه‌های اثرگذاری دولت‌ها قلمداد می‌شود. در قالب نفوذ، قدرت منطقه‌ای می‌کوشد، سایر دولت‌ها را به ادامه‌ی عمل یا سیاستی وادار نماید که در راستای منافع اوست. قدرت منطقه‌ای باید در محدوده‌ی ژئوپلیتیکی و ساختار سیاسی اندیشه‌ای منطقه از نفوذ برخوردار باشد.

منابع: یکی از شروط لازم جهت قرار گرفتن در موقعیت برتر و اعمال قدرت، برخورداری از منابع قدرت است. از این رو قدرت منطقه‌ای باید منابع ایدئولوژیکی - سازمانی (سیاسی) و مادی (نظامی، اقتصادی و جمعیتی)، جهت قدرت افکنی منطقه‌ای را داشته باشد.

-ارتباط متقابل: ارتباط از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده‌ی میزان و سطح تعامل قدرت منطقه‌ای با سایر دول منطقه است. قدرت منطقه‌ای باید ارتباط متقابل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی با سایر بازیگران منطقه‌ای برقرار کرده باشد.

-تأثیرگذاری منطقه‌ای: کشور مدعی قرار داشتن در موقعیت قدرت منطقه‌ای باید دارای تأثیر زیاد واقعی در امور منطقه‌ای (در رابطه با فعالیت‌ها و نتایج آن‌ها) باشد.

-تعیین دستور کار امنیت منطقه‌ای: دستور کارهای امنیتی، تعیین‌کننده‌ی اولویت‌های امنیتی و راهبر سیاست‌های سایر کشورها جهت مقابله با چالش‌های موجود می‌باشد. قدرت منطقه‌ای باید قادر باشد دستور کار امنیت منطقه‌ای را تعریف کند.

-پذیرش قدرت منطقه‌ای: دولتی که در موقعیت قدرت منطقه‌ای قرار دارد باید موقعیت برتر او در منطقه از سوی دیگر دولت‌های داخل و خارج منطقه، به‌ویژه از طرف دیگر قدرت‌های منطقه‌ای به رسمیت شناخته شود.

-نماینده‌ی منافع منطقه‌ای در اجلاس‌های بین‌المللی: قدرت منطقه‌ای ضروری است که با نهادها و اجلاس‌های جهانی و بین‌المللی تعامل داشته باشد. به‌نحوی که در آن‌ها نه تنها منافع خود را بیان کند بلکه به عنوان نماینده‌ی منافع منطقه، عمل نماید. (عسگری، ۱۳۸۶: ۷۵)

تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران: ایران به لحاظ فرهنگ و تمدن، منابع انسانی و اقتصادی فراوان و موقعیت ممتاز جغرافیایی از قابلیت‌های بسیار بالایی در تأثیرگذاری در منطقه برخوردار است و این توان را دارد که پیش از قدرت ملی خود ایفای نقش نماید. اگر چنانچه این نقش به عینیت و سرانجام برسد، عامل مهمی برای ساماندهی گرایش سیاست خارجی ایران بر اساس نظم منطقه‌ای در دهه آینده خواهد بود.

تفکر منطقه‌گرایی نوین در تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران مؤثر بوده است. ارائه این سند، موجب ایجاد وحدت ملی و برپایی یک استراتژی مکتوب ملی در سطح منطقه‌گرایی است. نخبگان فکری و اجرایی، احزاب، گروه‌های سیاسی و عامه مردم می‌توانند باوجود سند مکتوب مذکور اقدامات پراکنده خود را هم‌جهت و مترام سازند و به یک تجمیع انرژی ملی دست یابند. همبستگی ملی و غلبه بر تفکر تفرقه در داخل، ما را در رسیدن به هدف مطلوب یاری خواهد کرد. گرچه برخی کارشناسان آن را ایدئالیستی نامیده‌اند. ولی این سند پلی است بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها با کمک نظریات علمی و تجارب بشری به ویژه تجربه صد سال اخیر ایرانیان.

نقش ایران در این سند، الهام بخش فعال و مؤثر در جهان اسلام با ارائه الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی، پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذاری بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) خواهد بود.

بر اساس تفکر منطقه‌گرایی نوین هدف ایران دستیابی به اهداف ذیل است:

الف- در منطقه آسیای جنوب غربی، ایران به عنوان کانون قدرت هژمون منطقه‌ای عامل نظم و ثبات باشد و به حوزه نفوذ خود ثبات و استحکام بخشد.

ب- ایران با ارتقاء جایگاه خود می‌تواند توازن و تعادل را در منطقه ایجاد کند.

ج- دو کارکرد مشخص ایران می‌تواند در اعمال و حراست از ضوابط رفتاری جلوه‌گر شود.

د- با دستیابی به موقعیت برتر، ایران می‌تواند بازیگران آشوب ساز را با همکاری منطقه‌ای مجازات نماید.

ه- ایران می‌تواند با سازمان‌دهی هژمون درون‌زا، جایگاه سلسله‌مراتبی کشورها را مشخص کند.

و- ایران می‌تواند خود و دیگر کشورهای منطقه را در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای حفظ و حراست نموده و با توجه به موقعیت برتر اجازه ندهد منافع ملی و ارزش‌های حیاتی آن توسط دیگران مورد تهاجم قرار گیرد.

ز- ایران می‌تواند بنیان‌گذار نظم جدید در منطقه آسیای جنوب غربی گردد به نحوی که بتواند در حل و فصل مناقشات و ایجاد ثبات نقش محوری ایفا کند.

دستیابی به اهداف مذکور، تحقق هژمونی درون‌زا را در منطقه آسیای جنوب غربی به دنبال خواهد داشت که ایران کانون این منطقه خواهد بود. (رضایی، ۱۳۸۷، ۸۰)

این نوع هژمونی از ویژگی‌های و خصوصیات ذیل برخوردار است:

۱- مناطق پس از فروپاشی امپراتوری شوروی، در ادبیات سیاسی، روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. این نوع هژمون با هژمونی دستوری از بالا یا مرکز و یا هژمونی ارشادی منطقه‌ای بیگانه است.

۲- هژمون منطقه‌ای درون‌زا بر اساس نوعی سرپرستی خودجوش بر اساس توانایی‌ها و نقش‌های ژئوپلیتیکی کشورها شکل می‌گیرد و لذا همکاری‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی به اندازه کافی وجود دارد که رقابت‌های بین آن‌ها را تحت‌الشعاع قرارداد و در مسیر توسعه، صلح و ثبات در منطقه می‌کشد. در نوعی تقسیم‌کار، از هر کشوری متناسب با نقش و توانایی‌اش در منطقه استفاده می‌شود. اختلاف غیرطبیعی به وجود نمی‌آید و رشد و شکوفایی اقتصادی هم پایدار و هم بیشتر از حالت هژمونی برون‌زا است.

۳ - دلیل درون‌گرا بودن این نوع هژمونی آن است که سیستم و زیرسیستم‌های موجود در آن از استعداد وزن، اعتبار و جایگاهی برخوردارند که بدون حمایت هژمونی منطقه‌ای برون‌زا (نوبین) از امکان ایجاد و تأسیس هژمونی درون‌زا برخوردارند.

۴ - هژمونی‌های منطقه‌ای درون‌زا، به عنوان یک واحد سیاسی زنده و ارگانیک عمل می‌کنند.

۵ - هژمونی‌های منطقه‌ای عمدتاً از نظر سیاسی - اقتصادی درون‌زا بوده، اما از نظر امنیتی بیشتر برون‌زا است. (مدل اتحادیه اروپا) در این نوع هژمونی‌ها بُعد اقتصادی، بر بُعد امنیتی تقدم داشته است.

۶ - رابطه هژمون منطقه‌ای درون‌زا با هژمون برون‌زا، تعامل همراه با چالش است.

۷ - هرچه نظریه هژمونی منطقه‌ای درون‌زا ضعیف‌تر و برون‌زا قوی‌تر شود، پیامدهای منفی نظریه هژمونی منطقه‌ای برون‌زا بر کل منطقه حاکم می‌شود و بی‌ثباتی، ناپایداری و رشد پایین اقتصادی منطقه به تشدید اختلافات در منطقه خواهد انجامید ولی اگر هژمون جهانی، هژمون منطقه‌ای درون‌زا را به رسمیت بشناسد، صلح، ثبات و امنیت پایدارتر و توسعه اقتصادی سریع‌تر و پایدارتر خواهد بود. (همان: ۸۳)

جهانگیر کرمی در کتاب دیپلماسی دفاعی ج. ۱.۱. در قبال روسیه نیز در خصوص جایگاه و قدرت منطقه‌ای ایران نوشته است: اقتصاد روبه رشد ایران، در کنار برخورداری از فناوری‌های بومی و تجربه سپری کردن سه دهه پرتنش در بحران، جنگ، تحریم و تجربه خصوصی‌سازی و تعدیل ساختاری برای کشورهای آسیا مرکزی اهمیت جدی دارد؛ اما اگر ایران به عضویت این سازمان (شانگهای) درآید، طبعاً وزن، اهمیت و جایگاه این سازمان در همکاری‌های منطقه‌ای افزایش چشمگیری خواهد داشت. سازمان همکاری شانگهای با حضور ایران می‌تواند در اهداف اصلی خود، در حوزه همکاری‌های اقتصادی، تجاری و ارتباطی فعالیت‌های گسترده‌تری داشته باشد (کرمی، ۱۳۹۲: ۴۹۹)

نگاه نخبگان روس به قدرت منطقه‌ای ایران: دیمتری "شلاپن توخ"، استاد تاریخ در دانشگاه ایندیانا در شهر "ساوث بند" در ایالت ایندیانا، طی پژوهشی تحت عنوان "دیدگاه نخبگان روسیه نسبت به ایران پس از فروپاشی شوروی تا کنون" به نظریات نخبگان پرداخته است و در رابطه با نظر "شامیل سلطائف" رئیس مرکز مطالعات راهبردی روسیه و جهان اسلام "و نماینده سابق دوره چهارم دومای کشور روسیه می‌نویسد:

از نظر سلطان‌اف، موضوع ایران کاملاً متفاوت بود. وی احتمالاً چندین بار به ایران سفر کرد و تحت تأثیر این کشور قرار گرفت. آنچه عمیقاً وی را تحت تأثیر قرار داد، قدرت اقتصادی یا نظامی این کشور نبود، بلکه احساس ایثار و فداکاری و تلاش برای دستیابی به اهداف عالی‌ای بود که در جامعه ایران رسوخ و نفوذ کرده بود. وی به ویژه پس از بازدید از یکی از گورستان‌های مهم پایتخت که در آن تقریباً نیم میلیون شهید یا انقلابی آرمیده بودند، تحت تأثیر قرار گرفت. وی این مکان را نوعی زیارتگاه مقدس می‌دید. وی بر این باور بود که این گورستان نشان می‌دهد تمام کشور می‌تواند خود را وقف هدفی عالی‌ه کند و برای آن هدف عالی‌ه جان بدهند. این سلامت معنوی بود که ایران را به رهبر و نمونه‌ای برای روسیه تبدیل کرد.

از حدود اواسط تصدی ریاست جمهوری پوتین؛ اظهار عقیده رسمی مقامات روس نسبت به ایران جدال آمیز و اغلب نزاع دوطرفه بود. از طرف دیگر مقامات اعلام می‌کردند که ایران دوست روسیه است و روسیه اجازه نمی‌دهد که کشور دیگری (بیشتر منظورشان امریکا بود) به ایران حمله کند. مقامات روسی همچنین در بیانات خود اعلام می‌کنند که قاطعانه با هرگونه تحریم جدی علیه ایران مخالف هستند و تسلیحات پیچیده‌ای را جهت دفاع از خود به ایران خواهند فروخت. روسیه همچنین اعلام کرد که تسلیحات پیشرفته را برای سوریه (متحد ایران) فراهم کردند یا در آینده خواهند کرد و نسبت به انتقال این تسلیحات از سوریه به ایران بی‌تفاوت خواهند بود و آن را نادیده خواهند گرفت. به نظر می‌آید که روسیه نسبت به تخریب روابط خود با امریکا با فروش تسلیحات به دشمنانش در غرب آسیا نگران نمی‌باشد.

علاوه بر این مقامات روسیه بیان داشتند که همکاری اقتصادی بیشتر با ایران را افزایش خواهند داد و به هر روش دیگری به این کشور کمک خواهند کرد. از طرف دیگر تقریباً هم‌زمان با آن، مقامات روسیه اعلام می‌کنند که روسیه از تحریم‌ها حمایت می‌کند و تجارت روسیه با ایران کاملاً محدود شده است و این که روسیه به‌طور جدی با تبدیل ایران به قدرت هسته‌ای مخالف است و در نهایت سعی خود را برای جلوگیری از این امر انجام خواهد داد. به‌هر حال با چیزهایی که ایران از روسیه می‌گیرد قادر به تولید تسلیحات هسته‌ای نخواهد شد. (شلاپنتوخ، ۲۰۰۹: ۳۵)

سابقه طولانی مناسبات بین دو کشور دربرگیرنده مناقشات عمدتاً کوتاه‌مدت است که به امضای معاهدات دربارۀ تحدید حدود منجر می‌شدند و نیز مراحل طولانی توسعه مثبت روابط بوده است. آن مرحله و نیز روابط بین اتحاد شوروی و ایران که شاهد امضای

قراردادهای سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و ورود نیروهای شوروی به ایران اوایل جنگ جهانی دوم بود، به تاریخ پیوسته است. اکنون دو کشور مشغول برقراری روابط جدید خود هستند. باید از زبان پیش‌پافتاده قرن گذشته برای وصف فرآیندهای جهانی دست کشید. ایران امروزی، ایران زمان شاه و بلافاصله بعد از سرنگونی شاه نیست. ایران به مفاهیم مشرق و اسلام ختم نمی‌شود. در حال حاضر، ایران عنصر کاملاً جدید توسعه جهانی است که باید با آن به عنوان قدرتی آینده‌دار و اصیل برخورد کرد، قدرتی که از نوسازی جسورانه تکنولوژیکی با اتکا بر سنت‌های هزارساله و تجربه تمدن منحصر به فرد خود واهمه ندارد. ایران می‌تواند برای روسیه نقش متحدی را بازی کند که با کمک او بتوانیم از غلتیدن جهان به هرج و مرج جلوگیری کرده و نظم جدید عادلانه جهانی را برقرار کنیم. (یوری کروینوف ۲۰۰۶: ۲۱)

مواردی که ایران و روسیه در منطقه را به هم نزدیک ساخته است و از آن‌ها به‌عنوان پروژه‌های مشترک نام می‌برند عبارت‌اند از:

پروژه اول را «آسیای مرکزی باثبات»: می‌توان گفت سرنوشت نه‌تنها اوراسیا بلکه سراسر جهان به صلح پایدار و توسعه آسیای مرکزی وابسته است. این مسئله را می‌توان در پژوهش‌های وادیم تسیمبورگسکی بهترین متخصص ژئوپلیتیکی روسیه که بررسی شده‌اند مشاهده کرد. وی تأکید می‌کند که «آسیای مرکزی باید پشت جبهه راهبردی ایران، چین و روسیه» اعلام شود که به این منظور همکاری راهبردی بین روسیه، چین و ایران بر مبنای مشخص ژئواقتصادی لازم است. شکل‌گیری مسیرهای انتقال کالاها از سوی اقیانوس هند به سمت شمال (اروپا)، می‌توانست انحصار سه‌جانبه روسیه، چین و ایران را در زمینه حمل‌ونقل و انتقال منابع ارزنده برقرار کند. برای رسیدن به این هدف هر سه قدرت بزرگ باید در منطقه آسیای مرکزی باهم همکاری کنند و از همه تلاش‌ها برای بی‌ثبات کردن این منطقه مهم ژئوپلیتیکی جلوگیری به عمل آورند. در اینجا واژه «لیمیتروف» به کار گرفته شده است که به معنی "واقعیت خاص ژئوپلیتیکی" است که از منطقه بالتیک، از طریق اروپای شرقی، قفقاز، آسیای مرکزی، تبت، سین کیانگ و مغولستان تا کره ادامه دارد. این کمربند، روسیه را از مراکز دیگر قدرت که بر اساس تمدن‌های دیگر شکل گرفتند، جدا کرده و به روسیه اجازه می‌دهد از خود درباره حملات مستقیم از سوی مراکز قدرت مستقر در سواحل اقیانوس‌ها دفاع کند.

تثبیت اوضاع افغانستان و ایجاد محور جدید فعالیت اقتصادی این کشور به جای تولید مواد مخدر، یکی از نکات کلیدی محسوب می‌شود. ولی بدون کمک ایران نمی‌توان در افغانستان نفوذ مثبتی به عمل آورد.

پروژه دوم «قفقاز بزرگ» است. این پروژه مناطق دریا‌های خزر و سیاه را متحد کرده و مانع از تجزیه قفقاز از طریق طرح آمریکایی غرب آسیا بزرگ و ایجاد منطقه بزرگ دریای سیاه توسط آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا (که باید قفقاز را از شمال تا جنوب تجزیه کند)، می‌شود. پروژه سوم ناظر بر ایجاد مشترک زیربنای جدید جهانی انرژی هسته‌ای بر اساس همکاری روسیه با ایران و هند است. این زیربنا می‌تواند فقط بر اساس شناسایی حق هر کشوری برای توسعه سریع بخش هسته‌ای ایجاد شود.

مذهب شیعه و دین ارتدکس سنت‌های منحصربه‌فردی هستند که در آن‌ها شخصیت به عنوان والاترین واقعیت انسانی (انسان راستین) طراحی شده است که همین امر به وسیله آفرینش انسان مطابق با سیمای الهی تعیین می‌شود. به همین دلیل ملت‌های پیرو سنت ارتدکس و مکتب شیعه ایرانی تاریخ و آینده خود را از زاویه اصل شخصیت بررسی کرده و بر همین اساس نظام‌های اجتماعی خود را طراحی می‌کنند. این رفتار با فردگرایی و نظام اجتماعی مبنی بر منافع فردی تفاوت اصولی دارد.

در حالی که فردگرایی اساس لیبرالیسم نو و جهانی‌شدن را تشکیل می‌دهد، اندیشه شخصیت اساس جهان‌بینی‌ای را تشکیل می‌دهد که بر اهداف توسعه جهانی و حفظ وحدت جهانی استوار است. روسیه و ایران می‌توانند مشترکاً طرح نظم جدید جهانی را پیشنهاد کنند که بر اصل شخصیت استوار باشد.

در این زمینه اصل اجتناب از سلطه بعضی کشورها و ملت‌ها بر ملت‌های دیگر، ممانعت از تقسیم بندی ملت‌ها و انسان‌ها به انواع بالاتر و پایین‌تر و از تبدیل بشریت متنوع کره زمین به یک ماده یکسان انسانی، اهمیت کلیدی دارد.

پروژه پنجم که از همین جا سرچشمه می‌گیرد، ناظر بر طرح ابتکار مشترک توسعه جهانی به نفع اکثریت بشریت به عنوان روند جایگزین جهانی‌شدن است. به عنوان مثال، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه روز ۳ دسامبر ۲۰۰۴ در دهلی گفت: «تلاش برای بازسازی تمدن متنوع و رنگارنگ خدادادی بر اساس مقررات سربازخانه جهان تک‌قطبی بسیار خطرناک به نظر می‌آید».

نظم جهانی «یالتا» نمی‌تواند ادامه یابد ولی نباید اجازه داد که به جای آن جهانی‌شدن ویرانگرانه‌ای به صورت امپراتوری جهانی آمریکایی برقرار شود. نظم جهانی جدید عادلانه‌ای لازم است. اگر روسیه و ایران بتوانند با هم اتحاد تشکیل دهند، نظم آینده جهانی می‌تواند نظم روسی-ایرانی باشد. (یوری کروینوف ۲۰۰۶: ۲۱)

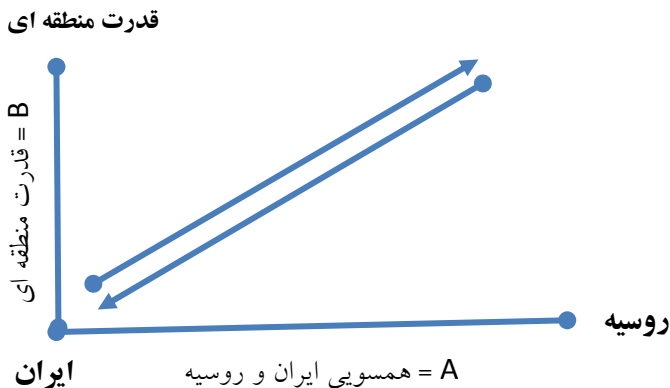
چار چوب نظری:

در حوزه این پژوهش با سه کلیدواژه اصلی مواجه هستیم که عبارت‌اند از:

- همسو شدن

- سیاست خارجی روسیه
- قدرت منطقه‌ای

در این خصوص ابتدا با استفاده از اسناد بالادستی و سپس با بهره‌گیری از نظر خبرگان و متخصصین از طریق مصاحبه عمیق به تأثیر قدرت منطقه‌ای ایران بر همسو شدن روس‌ها پرداخته شده است که به‌طور خلاصه می‌توان در الگوی زیر نمایش داد.



نمودار ۱: نقش قدرت منطقه‌ای ایران در افزایش همسوایی روسیه

رابطه ایران و روسیه تابعی از افزایش و کاهش قدرت منطقه‌ای ایران است: $A=XB$ یعنی هرچه عدد X بیشتر بوده و قدرت ایران قوی‌تر شود رابطه ایران و روسیه نیز قوی‌تر می‌شود و بالعکس؛ به عبارت دیگر به هر اندازه قدرت ایران بیشتر شود، روس‌ها با ایران همسو تر خواهند شد. برعکس کاهش قدرت منطقه‌ای ایران خیال روس‌ها را راحت‌تر خواهد کرد.

روش‌شناسی:

نوع تحقیق کاربردی است و روش تحقیق، آمیخته و ترکیبی از روش‌های توصیفی-تحلیلی و پیمایشی (مصاحبه و نخبگی) می‌باشد.

به لحاظ زمانی و موضوعی روابط بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران و روسیه و آخرین دکترین‌های امنیت ملی، سیاست خارجی و دکترین نظامی آن کشور مورد بررسی قرار گرفته است و از نظر مکانی نیز دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه را شامل می‌شود.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه مسئولین کشوری و لشکری متخصص در زمینه روسیه می‌باشد؛ بنابراین با مطالعات انجام‌گرفته از روش تمام شمار تعداد ۳۱ نفر مورد شناسایی قرار

گرفت. شایان ذکر است که محقق مصاحبه مذکور را از تعداد ۱۰ مسئول روس نیز انجام داد که تبیین شرایط همسو شدن نیز از جانب آن‌ها نیز موردسنتجش قرار گرفت. از آنجا که موضوع فوق یک موضوع راهبردی در سطح کشور می‌باشد. محقق بعد از شناسایی مسئولین فوق‌الذکر از روش تمام شمار از کلیه جامعه آماری موردنظر مصاحبه عمیق به عمل آورد. بالطبع روش نمونه‌گیری هم انتخابی بوده است.

با توجه به هدف این مقاله، واحد تحلیل این پژوهش در سطح خرد (فرد) بوده و سطح تحلیل آن نیز در سطح خرد (شامل کلیه مسئولین کشوری و لشکری متخصص در زمینه روسیه بوده است) بوده است. همچنین بر اساس اهداف تحقیق، شرایط همسو شدن سیاست خارجی فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران نیز از دید پاسخگویان مطلع سنجیده شده و درنهایت برای تأیید و روایی تحلیل یافته‌های کیفی مصاحبه‌ها، یافته‌های به‌دست‌آمده از سوی تعدادی از آن‌ها ارزیابی و تأیید شده است...

ابزارهای اصلی گردآوری اطلاعات فیش‌نویسی و مصاحبه می‌باشد. با توجه به استراتژی پژوهش در سه مرحله و به شیوه‌های متفاوت اطلاعات جمع‌آوری شده تحلیل شد به طوری که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از به‌کارگیری روش کیفی مطالعه اسنادی (فیش‌برداری) و مصاحبه کیفی عمیق با کارشناسان و متخصصین صورت پذیرفته است؛ بنابراین برای تبیین شرایط همسو شدن از روش اکتشافی داده بنیاد استفاده گردیده و از طریق تحلیل محتوا ۱۲۱ نکته کلیدی و گویه‌های مهم استخراج و در تجزیه و تحلیل مورد بهره‌برداری قرار گرفت؛ که اهم این نکات به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱) روسها از اینکه کشور قدرتمندی که ایدئولوژیک است در همسایه آن‌ها باشد خوشحال نیستند.
- ۲) استراتژی روسیه در عمل خواهان ایرانی است که نه آن قدر قوی باشد که مانند رقیب بالفعل هزینه‌های روسیه را افزایش دهد و نه آن قدر ضعیف باشد که امکان رخنه و نفوذ داشته باشد.
- ۳) افزایش ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران در منطقه همه قدرت‌ها را به ایران محتاج ساخته است. ایران از این ظرفیت برای تأثیرگذاری بر کل منطقه می‌تواند استفاده کند.
- ۴) اقتدار ایرانی را می‌خواهند که در تنش با روسیه نباشد و در عوض با غرب روابط تنش آمیزی داشته باشد.
- ۵) اقتدار منطقه‌ای ایران و قدرت تأثیرگذاری ایران در کنار سیاست خارجی مستقل و ضد عربی مؤلفه مهمی برای گرایش روسیه به سمت ایران است.

- ۶) اگر روس‌ها احساس کنند ایران چه در حالت نیاز و چه در حالت عدم نیاز به سمت روس‌ها واگرایی ندارند، قدرت منطقه‌ای ایران موافق هستند.
- ۷) اگر روس‌ها احساس کنند ایران قدرتمند که غرب‌گرا نباشد موافق قدرت ایران هستند.
- ۸) اگر ایران قدرت اول منطقه باشد، روس‌ها به قدرت ایران تمکین می‌کند اما اگر قدرت لرزان باشد خیر
- ۹) اگر قدرت منطقه‌ای ایران تثبیت شود آن موقع هم سویی روس‌ها با ما حفظ می‌کنند
- ۱۰) اگر قدرت منطقه‌ای ایران تثبیت بشود روس‌ها و حتی امریکایی‌ها به سمت ما می‌آیند
- ۱۱) الان نگاه روسیه به ایران راهبردی نیست، تنها در صورتی این نگاه راهبردی می‌شود که جمهوری اسلامی ایران یک قدرت برتر منطقه‌ای باشد.
- ۱۲) ایران به عنوان یک قدرت سیاسی منطقه‌ای علیه روسیه تلقی نمی‌گردد. به دلیل اینکه الان امریکایی‌ها در خاورمیانه هستند و در این شرایط هر چه ایران قدرتمند شود در برابر آمریکا قرارداد. (به نفع روسیه است)
- ۱۳) ایران در قفقاز و آسیای مرکزی صاحب نفوذ است لذا می‌تواند در این جهت روی منافع و تهدید مشترک با روس‌ها همسویی ایجاد کند
- ۱۴) ایران قدرتمند که در حوزه‌های روسیه نفوذ پیدا کند با حساسیت روس‌ها روبرو می‌شود، مگر اینکه خطوط قرمز آنها حفظ شود.
- ۱۵) ایران قوی نظامی، ایران قوی فضایی و ایران قوی هسته‌ای نمی‌تواند مورد علاقه روس‌ها باشد
- ۱۶) ایران مقتدر و متحد راهبردی روسیه مورد توافق روس‌هاست.
- ۱۷) ایران مکمل ژئوپلیتیکی روسیه است و ایران قدرتمند مورد موافقت روس‌هاست.
- ۱۸) ایران هر چه قدرتمندتر شود منافع غرب را محدود می‌کند و این در راستای سیاست‌های روسیه است.
- ۱۹) در ۲۰۰ سال گذشته مادامی که ایران ضعیف بوده روس‌ها دخالت کرده‌اند.
- ۲۰) در صورتی که ایران به یک کنشگر منطقه‌ای فعال در همه حوزه‌ها تبدیل شود برای روس‌ها خوشایند نخواهد بود.
- ۲۱) در صورتی که قدرت ایران تثبیت بشود و نگاه حاکمان روسیه غرب‌گرا نباشد، روسیه هم استقبال می‌کند و همسویی می‌کند.
- ۲۲) رهبری منطقه‌ای ایران در منطقه تسخیر سرزمین نیست بلکه کانون و وحدت‌بخش منطقه‌ای است و تا ایران قدرت منطقه‌ای نشود اتحادیه منطقه‌ای شکل پیدا نخواهد کرد.
- ۲۳) روس‌ها از اینکه ایران قدرتی منطقه‌ای و ضدآمریکایی باشد استقبال می‌کند و به سمت ایران همسویی پیدا می‌کنند.

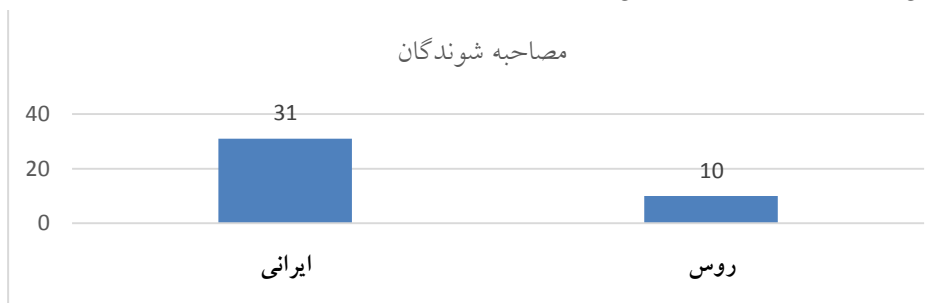
- ۲۴) روس‌ها ایرانی قدرتمند را می‌پسندند که به سمت شرق حرکت کند نه به سمت غرب چون معتقدند حرکت ایران به سمت شرق در پاکستان و هند متوقف خواهد شد.
- ۲۵) روس‌ها برخلاف غربی‌ها به دنبال براندازی نظام در ایران نیستند. از طرفی اگر ایران با ماهیت کنونی قدرت منطقه‌ای بشود، روس‌ها مخالف نیستند.
- ۲۶) روس‌ها دوست ندارند ایران آن قدر قوی شود که بعداً به روسیه اعتنا نکند.
- ۲۷) روس‌ها قدرت ایران را به نوع روابط با غرب گره زده‌اند. در صورتی که ما به سمت غرب گرایش داشته باشیم موافق ایران منطقه‌ای نیستند اما برعکس از ایران منطقه‌ای در تخصم با غرب به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای حمایت می‌کنند.
- ۲۸) روس‌ها می‌خواهند ایران قدرتی در منطقه باشد که جلوی آمریکا را بگیرد.
- ۲۹) روسیه در برخی مناطق خاورمیانه اسلامی به شدت نیازمند ایران است (مثل عراق و سوریه و ...) بنابراین با قدرت منطقه‌ای ایران موافق و همسویی می‌کنند.
- ۳۰) روسیه کنونی برای مقابله با تهدیدات غرب و تقویت نقش بازیگری خود نیازمند متحدین قوی است.
- ۳۱) روسیه نه می‌خواهد ما ضعیف بشویم نه قوی به حدی که خودش یک قدرت مسلط باشد.
- ۳۲) سطوح ناهمطرازی ما با روسیه باید نزدیک شود.
- ۳۳) قدرت بین‌المللی روسیه، مشروط به تثبیت موقت منطقه‌ای ج.ا.ا خواهد بود.
- ۳۴) قدرت گرفتن ایران در منطقه و نزدیکی مواضع بسیاری از نگرانی‌های روسیه را در منطقه رفع می‌کند.
- ۳۵) قدرت منطقه‌ای ایران بستگی به این دارد که چقدر منافع روسیه را تأمین نماید.
- ۳۶) قدرت منطقه‌ای ایران که در تقابل با غرب باشد توسط روس‌ها حمایت می‌شود.
- ۳۷) قدرت‌یابی ایران در منطقه رابطه مستقیمی با منافع روسیه دارد (هر جا با منافعش بخواند موافق و برعکس مخالف خواهد بود)
- ۳۸) قدرتمند شدن ایران قطعاً منجر به همسویی روسیه می‌شود.
- ۳۹) قدرتی از طرف ایران برای روس‌ها اهمیت دارد که برایشان هزینه نداشته باشد و برای آمریکا و غرب هزینه آور باشد.
- ۴۰) کارشناسان روسیه معتقدند ایرانی قدرتمند برای روسیه اهمیت دارد که برای روسیه خطر ایجاد نکند؛ یعنی ایران در جنوب روسیه به‌عنوان یک سد در مقابل دشمنان روسیه قرار گیرد.
- ۴۱) گسترش نفوذ ایران در منطقه به نحوی که منافع روس‌ها را در منطقه حفظ نماید موافق‌اند؛ اما در صورتی که این گسترش نفوذ مانع روس‌ها باشد مخالف‌اند.
- ۴۲) گسترش نفوذ ایران در منطقه و نزدیکی روابط ایران و روسیه و نگاه به ایران به‌عنوان حلال بخشی از مسائل منطقه‌ای روس‌ها را به ایران نزدیک می‌سازد.

- ۴۳) ما تا الآن با روسیه تاکتیکی عمل کردیم باید اعتمادسازی کنیم در سطح استراتژیک
- ۴۴) هر جا در منطقه قدرت روسیه را همپوشانی کنیم و در قالب یک قدرت منطقه‌ای باشیم، مورد موافقت روس‌ها است.
- ۴۵) هر چه ایران قدرتمند شود و در معادلات منطقه در تقابل با غرب و تعامل با روس‌ها باشد، مورد موافقت روسیه است.
- ۴۶) هرگاه وزن منطقه‌ای ایران افزایش پیدا کند (مثل حضور در سوریه) روس‌ها همسویی بیشتری با ایران دارند.
- ۴۷) وجود ایران قدرتمند، رقیبی برای روسیه نیست.
- ۴۸) یک ایران قدرتمند با سیاست خارجی مستقل برای روسیه خوشایند است که برای روسیه مشکل ایجاد نکند.
- ۴۹) یک ایران منطقه‌ای که در حوزه‌هایی نفوذ داشته باشد که روس‌ها نفوذ نداشته باشند بر درجه همسویی‌شان می‌افزاید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش:

جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق و کارشناسی با ۳۱ نفر از مقامات برجسته کشوری و لشکری شامل دستیاران ارشد مقام معظم فرمانده کل قوا-فرماندهان و معاونین ارشد نیروهای مسلح کل سپاه، وزرای اطلاعات، امور خارجه، وزارت دفاع و معاونین آن‌ها، معاونین شورای عالی امنیت ملی، سفرای ایران در روسیه، اساتید برتر دانشگاه و رایزن‌های سیاسی ایران در روسیه و همچنین ۱۰ نفر از مقامات روس انجام شده است

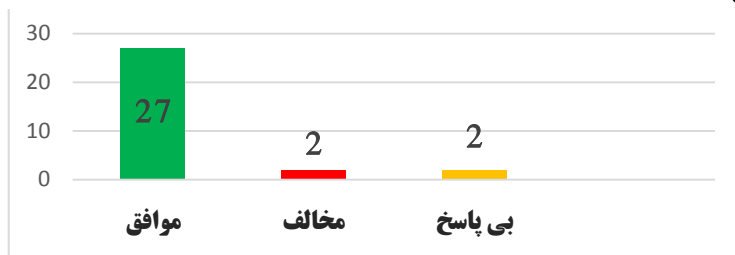
شایان ذکر است کلیه مصاحبه شونده‌گان جزو مدیران عالی دو کشور هستند. در بین خبرگان ایرانی ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و مابقی دارای مدرک دکترا هستند همچنین مصاحبه شونده‌گان ایرانی ۳۰ نفر مرد و یک نفر زن می‌باشند.



نمودار ۲: آمار مصاحبه شونده‌گان

باتوجه به پاسخ مصاحبه شونده‌گان در مجموع از ۳۱ نفر مصاحبه شونده ایرانی، ۲ نفر مخالف، ۲

نفر ممتنع و ۲۷ نفر از پاسخگویان، موافق با قدرت منطقه‌ای ایران و تأثیر آن بر نزدیکی روابط روس‌ها با ج.ا.ایران بوده‌اند



نمودار ۳: قدرت منطقه‌ای ایران و تأثیر آن بر نزدیکی روابط روس‌ها با ج.ا.ایران

از بین مصاحبه شونده‌گان به لحاظ گرایش سیاسی ۸۷٪ اصولگرایان، ۱۰۰٪ اصلاح طلبان و ۹۳٪ مستقلین معتقد به این فرضیه بوده‌اند که با افزایش قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران، روسیه همسویی بیشتری با ج.ا.ایران خواهد داشت.

۱۰۰ درصد از مقامات نظامی-امنیتی معتقد بوده‌اند که با افزایش قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران، روس‌ها همسویی بیشتری با ایران خواهند داشت. این میزان برای شاغلین سیاسی-دیپلماتیک ۸۷٪، سیاسی-امنیتی ۹۲٪ و دانشگاهیان ۱۰۰٪ بوده است.

در مجموع یافته‌های تحقیق نشان داد تفاوت معناداری بین نگاه سیاسی و شغل مصاحبه شونده‌گان وجود نداشت و کلیه این افراد معتقد بوده‌اند که با افزایش قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران، روس‌ها همسویی بیشتری با ج.ا.ایران خواهند داشت؛ بنابراین ذکر نکات زیر ضروری است:

(۱) هرچه ج.ا.ایران قدرتمندتر شود، روس‌ها تمایل بیشتری به حفظ و توسعه روابط با ج.ا.ایران خواهند داشت.

(۲) روس‌ها تمایل به ایران قدرتمندتری هستند که اولاً از استقلال کافی برخوردار باشد و ثانیاً خیلی متمایل به غرب نباشد. آن‌ها ایران قدرتمند منطقه‌ای را مکمل ژئوپلیتیکی خود می‌دانند.

(۳) روس‌ها معتقدند، ایران قدرتمند مخالف آمریکا در غرب آسیا مانعی در برابر توسعه‌طلبی آمریکایی‌هاست.

(۴) روس‌ها به قدرت منطقه‌ای ایران به عنوان توسعه‌دهنده نفوذ آتی خود در منطقه غرب آسیا می‌نگرند.

(۵) نخبگان روسی معتقد هستند در حال حاضر، ایران عنصر کاملاً جدید توسعه جهانی است که باید با آن به عنوان قدرتی آینده دار و اصیل برخورد کرد، قدرتی که از نوسازی جسورانه فناورانه با اتکا بر سنت‌های هزارساله و تجربه تمدن منحصر به فرد خود واهمه ندارد. ایران می‌تواند برای روسیه نقش متحدی را بازی کند که با کمک او بتوانیم از غلتیدن جهان به هرج و مرج جلوگیری کرده و نظم جدید عادلانه جهانی را برقرار کنیم

- ۶) روس‌ها ترجیح می‌دهند ایران قدرتمند تمدنی شکل بگیرد تا ایران قدرتمند ایدئولوژیک.
- ۷) راهکار توازن در نگاه قدرت‌ها به ج.ا.ایران، توسعه قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران خواهد بود.
- ۸) روس‌ها جهت کنترل بسیاری از ناامنی‌های خارج دور خود (مقابل با افراط‌گرایی اسلامی اهل سنت) نیازمند حضور ایران قدرتمند منطقه‌ای در جنوب خود می‌باشند. به عبارتی جهت مدیریت بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای نیازمند تقویت قدرت ایران هستند.
- ۹) ایران ایدئال، ایرانی است که در تنش با روسیه نباشد و در عوض روابط تنش آلودی با غرب داشته باشد (البته روابطی که به جنگ منجر نشود) ایران ایدئال ایرانی است که برای غرب هزینه آور باشد.
- ۱۰) ایران قدرتمند، مکمل استراتژیک روسیه خواهد بود و قدرت بین‌المللی روسیه، مشروط به تثبیت موقعیت منطقه‌ای ج.ا.ایران می‌باشد.
- ۱۱) نگاه روسیه به ج.ا.ایران تاکنون راهبردی نبوده است. تنها در صورت تثبیت قدرت ج.ا.ایران در منطقه این نگاه به سمت راهبردی گرایش پیدا می‌کند.
- ۱۲) قدرت گرفتن ج.ا.ایران در منطقه و نزدیکی مواضع ج.ا.ایران با روسیه بسیاری از نگرانی‌های روس‌ها را از بابت حل و فصل پرونده‌های منطقه‌ای حل خواهد کرد.
- ۱۳) باید بجای تأکید بر اقدامات تاکتیکی، ضمن اعتمادسازی، سطوح همکاری با روس‌ها را در سطح استراتژیک تعریف نماییم. مضافاً اینکه در حوزه‌های خارج از منطقه (مثل اوکراین و...) با روس‌ها همکاری جدی نماییم. این اقدامات روس‌ها را بیش‌ازپیش به ایران نزدیک می‌کند.
- ۱۴) روس‌ها در بخش‌های نظامی تمایل به یک ایران قدرتمند نظامی (به‌ویژه هسته‌ای) ندارند. در عوض وابستگی ایران در امورات نظامی به روسیه را خواستارند.
- ۱۵) روس‌ها دوستدار ایرانی قدرتمند هستند که به‌عنوان سدی در برابر خطر دشمنان از جنوب محسوب شود.
- ۱۶) بی‌اعتمادی روس‌ها به ج.ا.ایران منجر به تزلزل در سیاست‌های روس‌ها نسبت به تثبیت قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران شده است.
- ۱۷) اگر روس‌ها احساس کنند ایران چه در حالت نیاز و چه در حالت عدم نیاز به سمت روس‌ها واگرایی ندارند، با قدرت منطقه‌ای ایران موافق هستند.
- ۱۸) روس‌ها با ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای که هم مستقل باشد و هم با دشمنان روسیه نزدیک نشود موافق‌اند.
- ۱۹) هرگاه وزن منطقه‌ای ایران افزایش پیدا کند (مثل حضور در سوریه) روس‌ها همسویی بیشتری با ایران دارند.
- ۲۰) استراتژی روسیه در عمل خواهان ایرانی است که نه آن‌قدر قوی باشد که مانند رقیب بالفعل هزینه‌های روسیه را افزایش دهد و نه آن‌قدر ضعیف باشد که امکان رخنه و نفوذ داشته باشد.
- ۲۱) روسیه، جمهوری اسلامی ایران مقتدر را حائلی بین روسیه و افراط‌گرایان سنی و تروریسم می‌داند

و تضعیف ایران، بحران را به مرزهای روسیه خواهد کشاند بنابراین نگاه مثبتی به اقتدار ایران دارند. بنابراین اگرچه روس‌ها موافق یک ایران قدرتمند منطقه‌ای هستند، اما مختصات آن ایران، ایرانی است که: الف) به لحاظ نظامی (به‌ویژه هسته‌ای) بلندپرواز و قدرتمند نباشد. ب) نگاهش همواره مخالف با آمریکا و غرب باشد (نه صلح و نه جنگ) ج) به روسیه وابستگی‌های دفاعی - امنیتی داشته باشد. د) ایران قدرتمند ایدئولوژیک نباشد. (مگر اینکه مقابل جریانات تکفیری اهل سنت قرار گیرد). ه) مکمل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی آن‌ها باشد.

روس‌ها معتقدند که در برهه کنونی ایران قوی منطقه‌ای نه تنها خطری برای روسیه ندارد بلکه روس‌ها می‌توانند با چنین کشوری در منطقه جنوب غرب آسیا به راحتی کار کنند. آن‌ها معتقدند هرچه ایران قوی‌تر باشد قدرت ایستادگی در برابر دشمن ژئواستراتژیکشان (آمریکا) بیشتر می‌شود. آن‌ها معتقدند یک ایران قدرت منطقه‌ای مکمل خوبی برای روسیه به عنوان قدرت جهانی است و می‌تواند برای روسیه نقش متحدی را بازی کند که با کمک او بتوانیم از غلتیدن جهان به هرج و مرج جلوگیری کرده و نظم جدید عادلانه جهانی را برقرار کنیم.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

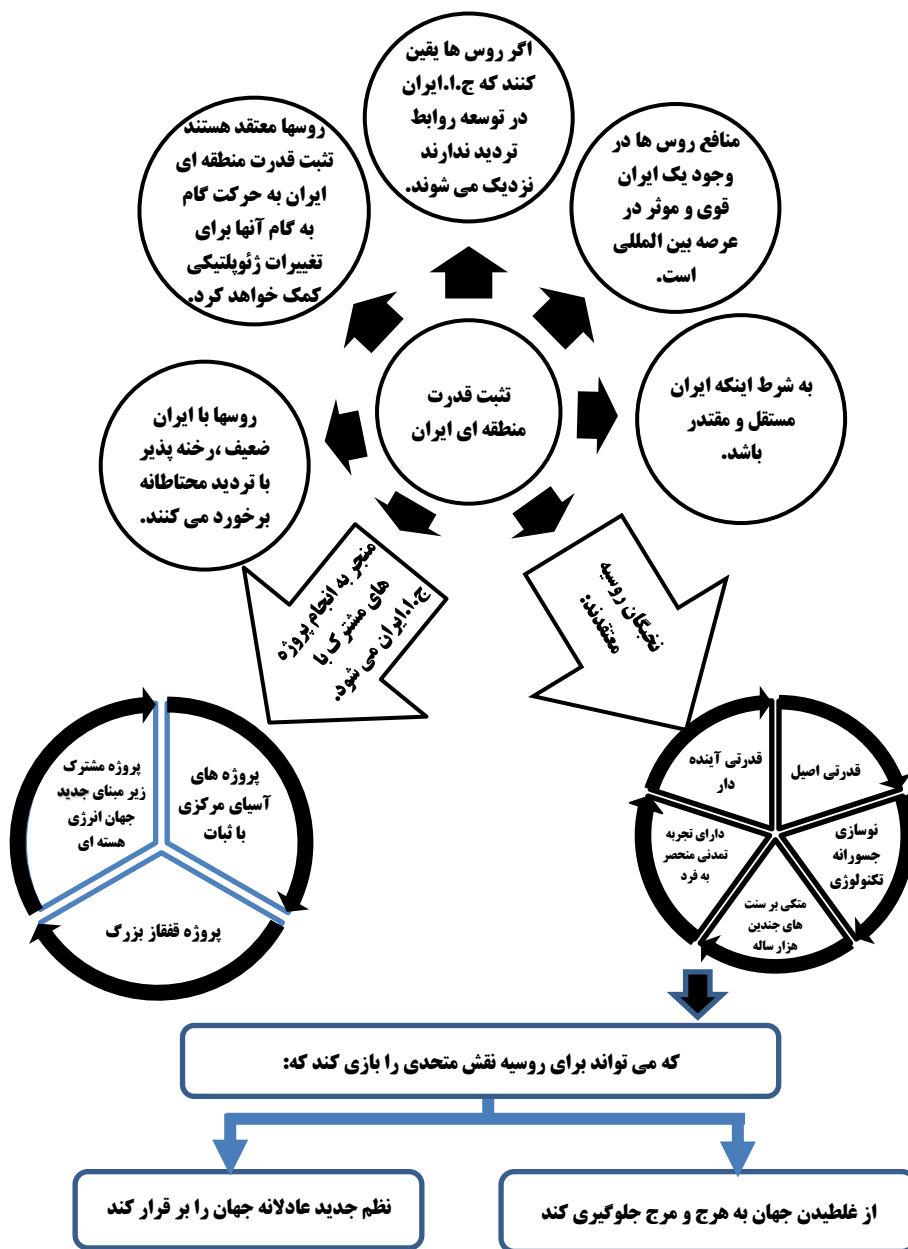
الف) نتیجه‌گیری

تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان «قدرت برتر منطقه‌ای» در غرب آسیا، چه تأثیراتی بر مواضع و رفتار روسیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ از آرزوی دیرینه روس‌ها رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند است که برای این منظور به دنبال شرایط مناسب و شریک راهبردی بوده و هستند، اما اینکه چرا پس پیروزی انقلاب اسلامی که سیاست خارجی سد نفوذ آمریکا (CONTAINMENT) در منطقه شکسته شد به‌صورت راهبردی به جمهوری اسلامی ایران نزدیک نشدند بر می‌گردد به تثبیت نشدن قدرت جهانی خودشان، قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و تردید روس‌ها نسبت به استقلال ایران که همواره تصور می‌کنند به غیر از رهبری و نهادهای وابسته به آن، در سایر قوا تمایلاتی به سمت آمریکا وجود دارد که این امر موجب فاصله گرفتن روس‌ها و دو پهلو برخورد کردنشان در رفتار و مواضع سیاسی نسبت به جمهوری اسلامی ایران گردیده است. روس‌ها چون منافع گرا هستند و از سیاست واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه برخوردار می‌باشند حتماً ایران مستقل و مقتدر نظر آن‌ها را جلب خواهد کرد و بالا‌جبار با آن همسو خواهند شد و چنین ایرانی را مکمل ژئوپلیتیکی توسعه نفوذ آینده خود می‌دانند. نخبگان روسیه به‌ویژه اوراسیاگراها معتقد هستند ایران آینده، کشوری خواهد بود به‌عنوان قدرتی آینده دار، اصیل، نوسازی جسورانه تکنولوژیکی، با اتکا بر سنت‌های چندین هزارساله و تجربه تمدنی منحصر به فرد که می‌تواند برای روسیه نقش متحدی را بازی کند

که با کمک او می‌توان از غلتیدن جهان به هرج و مرج جلوگیری کرده و نظم جدید عادلانه جهانی را برقرار کرد. لذا روس‌ها با ایران ضعیف، رخنه‌پذیر و با تردید، محتاطانه و محافظه‌کارانه برخورد خواهند کرد و برعکس به ایران مستقل قدرتمند نزدیک خواهند شد چراکه بر این باورند در برهه کنونی ایران قوی منطقه‌ای نه تنها خطری برای روسیه ندارد بلکه روس‌ها می‌توانند با چنین کشوری در منطقه جنوب غرب آسیا به راحتی کار کنند.

آن‌ها بر اساس نظریه‌های موازنه قدرت و موازنه تهدید معتقد هستند هرچه ایران قوی‌تر باشد قدرت ایستادگی در برابر دشمن ژئواستراتژیک شان (آمریکا) بیشتر می‌شود و به همین دلیل تمام تلاش خود را خواهند کرد اختلافاتی مانند آنچه بین ایران و عربستان مطرح هست را برطرف نمایند تا راه توسعه نفوذ خود هموارتر کنند.

و لذا روس‌ها متوجه هستند که ضعیف شدن جمهوری اسلامی ایران یعنی رسیدن بحران فشار غرب و افراط‌گرایی اسلامی به روسیه و لذا برای دفع تهدید مشترک (آمریکا و متحدین) و توسعه منافع مشترک زمینه همسویی و همگرایی در جهت تغییرات ژئوپلیتیکی در سطح منطقه ایجاد خواهند کرد. چراکه آن‌ها نیز به دنبال زنده کردن قدرت قبلی خود هستند، هرچند در سیاست‌های اعلامی بیان می‌دارند ما در پی کسب قدرت امپراتوری نیستیم، اما واقعیت این است که آن‌ها به شدت به دنبال تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه می‌باشند که قطعاً بدون همسو شدن با جمهوری اسلامی ایران ممکن نخواهد بود.



شکل ۱: تثبیت قدرت منطقه ای ایران

(ب) پیشنهاد:

- ۱) طراحی و تبیین بازی‌های بزرگ ژئوپلیتیکی ممکن که در صورت همسو شدن روس‌ها با جمهوری اسلامی ایران می‌توان انجام داد.
- ۲) احصاء نقاط قوت و ضعف مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران و توجه هدفمند نسبت به برجسته کردن قوت‌ها و برطرف کردن ضعف‌ها.
- ۳) توسعه روابط و سیاست موازنه ژئوپلیتیکی در رابطه با غرب به‌ویژه اروپا باهدف همسو نگه‌داشتن روس‌ها با جمهوری اسلامی ایران.
- ۴) طراحی یک بازی بزرگ ژئوپلیتیکی توسط دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و تفهیم آن به روس‌ها، در جهت تضعیف موقعیت آمریکا در آسیای غرب و همسو کردن کشورهای این منطقه با ایران و روسیه با استفاده از نفوذ و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی هر دو کشور.
- ۵) باید این را باور کنیم که قدرت در حال انتقال به آسیا است و آسیا بیش از نیمی از جمعیت و تولیدات جهان را خواهد داشت و این یک تغییر مهم است پس در توسعه روابط با کشورهایمانند روسیه نباید با تردید و عقد موقت نگاه کرد.
- ۶) بهره گرفتن از نگاه مثبت نخبگان روسیه، اوراسیاگراها و ملی‌گراها نسبت به قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و طرح مشارکت فعال در پروژه‌های «آسیای مرکزی باثبات»، «قفقاز بزرگ» و پروژه ایجاد مشترک زیربنای جدید جهانی انرژی هسته‌ای.
- ۷) ایجاد فرصت‌های برابر و نیازمند کردن روسیه به‌منظور ایفای نقش در نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متناسب با منافع ملی ج.ا.ا. و شکل‌دهی اتحاد، ائتلاف و پیمان‌های دفاعی در جهت مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا؛ با وابسته کردن آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه به ج.ا.ا. از طریق ایجاد کریدر شمال- جنوب؛ زمینه‌سازی ایجاد پیمان‌های امنیتی و دفاعی بین روسیه - ایران - هند و چین؛ ایجاد پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و ایجاد تعادل در ایفای نقش ج.ا.ا. و روسیه در صحنه افغانستان.

فهرست منابع

- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات (در دیدار پوتین با ایشان ۲۴ / ۷ / ۱۳۸۶)
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات (در دیدار پوتین با ایشان ۱۰ / ۸ / ۱۳۹۶)

منابع فارسی:

- جلالی، علی احمد، (بهار ۱۳۸۲)، **همکاری‌های همه‌جانبه ایران و روسیه**، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال یازدهم، دوره سوم، شماره ۴۱، تهران، ایران
- حسینی، احمد، (بهار ۱۳۸۵)، **بررسی امکان تعامل ایران و روسیه در خصوص مسائل خاورمیانه**، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۳، تهران، ایران
- چلینکاروف، (۱۳۹۰)، **روابط ایران و روسیه: تمایلات (دیدگاهی از روسیه)**، ترجمه: پروین معظمی گودرزی، تهران، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- رضایی، محسن، (۱۳۸۴)، **ایران منطقه‌ای**، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- شلاپنتوخ، دمتری (۲۰۰۹)، **دیدگاه نخبگان روسیه در مورد ایران**، مؤسسه مطالعات استراتژیک ارتش آمریکا، ترجمه محقق و جمعی از کارشناسان
- شوری، محمود، (تابستان ۱۳۸۸)، **ایران و روسیه از موازنه قدرت تا مسئله هویت**، تهران، نشریه روابط خارجی، دوره ۱ شماره ۲
- عسگری، محمود، (زمستان ۱۳۸۶)، **شاخص‌های قدرت منطقه‌ای**، تهران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره هجدهم، ص ۷۵
- کارتز، مارک (۱۳۹۴)، **تنش بین روسیه و غرب و گسترده‌تر شدن توان و دامنه ایران**، قابل‌دسترس در:
- کرمی، جهانگیر، (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، **تحول نگرش روسیه به محیط امنیتی بین‌المللی و تأثیر آن بر روابط با ایران**، تهران، مجله سیاست دفاعی، شماره ۴۰ و ۴۱
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۹)، **ایران و روسیه**، تهران، فصلنامه روابط خارجی.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۹۲)، **دیپلماسی دفاعی ج.ا.ا در قبال روسیه**، تهران، راد
- قنبرلو، عبدالله، (۱۳۸۸)، **مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای**، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره چهارم.
- نصری مشکینی، قدیر، (۱۳۷۹)، **چالش‌ها و بایسته‌های تحرک ج.ا.ا ایران در آسیای مرکزی و قفقاز**، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، دوره سوم، شماره ۲۹، تهران، ایران
- ونت، الکساندر، (۱۳۸۵)، **تحول در نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، سمت

منابع انگلیسی:

- Brian, White, (1989), Analyzing Foreign Policy: Problems and Approaches in Clarke and White, B, (eds), Understanding Foreign Policy: The Foreign Policy System Approaches, Southampton: TheCameloe Press PLC.
- Brown, C. L (ed) (2003), Diplomacy in the Middle East, The International Relation of Regional and Outside Power, London, I. B Tauris
- Daniel Fledes, "Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South
- Jones, R.E(1970), Analyzing foreign policy, London, Routledge.
- Maxi Schoeman, "South Africa as Emerging Middle Power: 1994 – 2003
- Webster's College Dictionary, 2010

سایت:

- [http:// www. Khedmat.ir](http://www.Khedmat.ir) 18/12/1394
- [http:// www.russlancouncil.ru](http://www.russlancouncil.ru)
- [http:// www.mk-turkey.ru](http://www.mk-turkey.ru)
- [http:// www.infr-oros.ru](http://www.infr-oros.ru)